

کتاب ایوب

جلسه ۹: صحنه‌ای در بهشت، بخش ۱

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه نهم، صحنه‌ای در بهشت است. بخش ۱

شورای آسمانی [۱:۳۶-۰۰:۲۳]

اکنون صحنه در کتاب ایوب به دربار آسمانی تغییر می‌کند. روز ملاقات است. یهوه ملاقاتی را برگزار می‌کند و شورای الهی او تشکیل شده است. پسران خدا، که اعضای شورا هستند، برای ارائه گزارش‌های خود به حضور او می‌آیند. وقتی اعضای شورا گزارش می‌دهند، این به معنای آن نیست که خدا دانای کل نیست؛ فقط این است که خدا تصمیم گرفته است با شورا همکاری کند. ما این تصویر را در کتاب مقدس در جاهای مختلفی «می‌یابیم: اول پادشاهان ۲۲، اینجا در ایوب، اشعیا ۶، «چه کسی را بفرستم، چه کسی برای ما خواهد رفت؟ مزمور ۸۲، و بسیاری جاهای دیگر. این روشی است که کارهای خدا را ارائه می‌دهد. اینها خدایان دیگری نیستند، برخلاف آنچه در برخی دیگر از فرهنگ‌های باستانی، آنطور که در مورد شورای الهی فکر می‌کنند، هستند، با این حال خدا تصمیم گرفته است که از طریق یک شورا کار کند. خدا به موجودات دیگر نیاز ندارد. او به کسی نیاز ندارد که به او مشاوره دهد، اما اگر او تصمیم بگیرد که به این روش کار کند، این به خودش مربوط است.

شخصیت hasatan [1:36-5:23]

بنابراین، پسران خدا جمع شده‌اند و شیطان هم در میان آنهاست. حال، اگر اینطور بگوییم، کمی ما را گیج می‌کند زیرا ما عادت داریم شیطان را به عنوان آدم بد، شیطان در نظر بگیریم؛ کسی که حتی به بهشت هم تعلق ندارد، چه برسد به میان پسران خدا. بنابراین، بیایید اینجا مراقب باشیم. این شخصیت می‌آید. او کیست؟ متن یک قدم با صحبت کردن در مورد او به عنوان شیطان فاصله دارد.

بزرگ ترجمه می‌کنند و بلافاصله ما را به فکر یک نام شخصی مرتبط S می‌دانم که بیشتر ترجمه‌ها، شیطان را با شیطان می‌اندازند. اما در اینجا متن عبری به عنوان یک نام شخصی ارائه نشده است. یک حرف تعریف است. شیطان یک کلمه عبری hasatan است. بنابراین، این "ha" مشخص روی آن قرار می‌دهد. در عبری، آن است، شیطان. این بدان معناست که این hasatan است. شما نمی‌دانستید، و کمی عبری می‌دانستید. بنابراین، این یک نام شخصی نیست. و این واقعاً به این معنی است که ما نباید آن را با حروف بزرگ بنویسیم، انصافاً. منظورم این است که نباید این کار را بکنیم. اما بیشتر یک نقش را توصیف می‌کند. شیطان، همانطور که اشاره کردم، یک کلمه عبری است. و کلمه‌ای است که می‌تواند به عنوان فعل و همچنین اسم عمل کند. و ما باید بررسی کنیم که این کلمه چگونه کار می‌کند.

وقتی فعل است، نشان می‌دهد که نوعی مخالفت، دشمنی، به چالش کشیدن کسی و از این قبیل کارها وجود دارد. این کار می‌تواند توسط انسان‌ها انجام شود، یعنی توسط پادشاهان دیگری که مثلاً سلیمان را به چالش می‌کشند، می‌تواند توسط افرادی در یک دادگاه، یک دادستان انجام شود. حتی می‌تواند توسط فرشته خداوند که در اعداد حرکت بلعام را به چالش می‌کشد، انجام شود. ۲۲، به عنوان شیطان سر راه او قرار می‌گیرد. بنابراین، هیچ چیز ذاتاً شری در مورد این نقش وجود ندارد. ما انسان‌ها را در این نقش می‌بینیم. همچنین موجودات غیرانسانی مانند فرشته خداوند که به آن اشاره کردم را می‌یابیم که این عملکرد را در آن متن خاص انجام می‌دهد. و البته، اینجا در ایوب این شخصیت خاص وجود دارد. اما این شخصیت، این چالشگر، و این اصطلاحی است که من ترجیح می‌دهم؛ این چالشگر در میان پسران خداست. او در شورای الهی است. او به عنوان شیطان به تصویر کشیده نشده است.

در واقع، در عهد عتیق، استفاده از کلمه شیطان به معنای ابلیس نیست. این کلمه فقط برای یک موجود غیرانسانی به کار می‌رود، مانند این مورد در چند مورد دیگر. یکی از آنها در فصل سوم کتاب زکریا است که در آن او با حق کاهن اعظم برای بازگشت به مقام خود مخالفت می‌کند، او را به چالش می‌کشد. این یک چالش مناسب است خدا او را سرزنش می‌کند و راهنمایی خود را در مورد اینکه چرا این اتفاق می‌تواند رخ دهد، ارائه می‌دهد. در اول تواریخ ۲۱، به شیطان اشاره دارد که داوود را به سرشماری تحریک می‌کند. و بنابراین، ما فقط همین چند مورد را داریم که به سختی برای ایجاد یک پروفایل کافی هستند.

رقیب [۶:۱۵-۵:۲۳]

اما اینجا او در میان مشاوران آسمانی، پسران خدا است. این ایده که به کسی اشاره دارد که چالش می‌کند، صرف نظر از زمینه، چه برای خیر و چه برای شر، چه در میان انسان‌ها و چه در میان لشکر آسمانی، کسی است که چالش می‌کند، کسی که موضعی خصمانه اتخاذ می‌کند، با مشخصات آنچه که ما با این کلمه می‌یابیم، مطابقت دارد این تا زمانی که کاملاً از دوره عهد عتیق خارج نشده‌ایم، به یک نام شخصی برای شیطان تبدیل نمی‌شود. در ادبیات شبه‌نوشته، آن نوع ادبیاتی که در دوره معبد دوم بین عهدین و پس از آن وجود دارد، به شیاطین زیادی اشاره دارد، نه فقط یکی. این یک نام شخصی برای شیطان نیست.

مبارز به عنوان نماینده خدا [8:36-6:15]

اینجا در ایوب، حستان، مبارز، نماینده خداست. او برای انجام وظیفه‌ای فرستاده شده است. او برای گزارش دادن برمی‌گردد. او اراده و فرمان خدا را انجام می‌دهد. او نماینده خداست حالا، او چطور می‌تواند چالش برانگیز باشد؟ خب، اینجا می‌بینیم که او سیاست‌های خدا را به چالش می‌کشد. قبلاً در این مورد صحبت کرده‌ایم. او این کار را به طور مناسب انجام می‌دهد. یعنی درست است که اگر افراد

درستکار همچنان مزایا دریافت کنند، ممکن است این امر، درستکاری آنها را از بین ببرد و به آنها انگیزه پنهانی بدهد. این درست است. این یک اتهام دروغین و اغراق‌آمیز نیست.

و بنابراین، متوجه می‌شویم که این مأمور خدا کاری را که خدا به او محول کرده است انجام می‌دهد. ایوب هدف او نیست. خدا کسی است که ایوب را بزرگ کرده است. هدف چالش او سیاست‌های خداست. ایوب صرفاً یک مورد آزمایشی منطقی است زیرا او فرد کاملاً درستکاری است. بنابراین، از این نظر، لازم نیست که چالشگر را به عنوان کسی که نقش شیطانی بازی می‌کند، در نظر بگیریم. او وسوسه نمی‌کند. او تسخیر نمی‌کند. او دروغ نمی‌گوید. هیچ خنده شیطانی هنگام نابودی ایوب وجود ندارد. در واقع، او فقط از طرف خدا عمل می‌کند. خدا به او آزادی عمل می‌دهد و خدا مسئولیت نابودی ایوب را می‌پذیرد. در ادامه داستان، هیچ کس هرگز تصور نمی‌کند که عامل دیگری در نابودی ایوب دخیل بوده است. این خداست که این کار را انجام داده است. ایوب خدا را پاسخگو می‌داند. خدا به عنوان مسئول دیده می‌شود. خدا به اندازه چالشگر، ایوب را مورد ضرب و شتم قرار داده است.

چالشگر به عنوان شیطان به تصویر کشیده نشده است [۸:۳۶-۱۰:۱۱]

و جالب است که گاهی اوقات وقتی چالشگر را شیطان می‌دانیم، به این فکر می‌کنیم که او از لذت زیادی برخوردار است و ایوب را نابود می‌کند. در حالی که متأسفانه خدا آن را تجربه می‌کند. متن در نحوه واکنش هر یک از آنها تفاوتی قائل نمی‌شود. هیچ یک از شخصیت‌ها فاقد یک واکنش خاص یا واکنش دلسوزانه خاصی نیستند. هر کاری که چالشگر انجام می‌دهد، از طریق قدرت خدا انجام می‌دهد. و خدا این را می‌گوید. "تو مرا تحریک کردی که او را نابود کنم"، فصل ۲. هیچ چیز ذاتاً شیطانی در تصویر نویسنده از چالشگر پدیدار نمی‌شود، او یک شخصیت خنثی است که کاری را که وظیفه‌اش است انجام می‌دهد. باز هم، نه وسوسه‌انگیز، نه فاسدکننده، نه منحرف‌کننده. این یک نمایه شیطان نیست. این یک نمایه مستقل است که باید از خود متن استخراج کنیم. این واقعیت که خود فرشته خداوند می‌تواند نقش شیطان را بازی کند، نشان می‌دهد که ذاتاً شیطانی نیست.

چالشگر به عنوان یک ساختار ادبی [۱۰:۱۱-۱۱:۲۷]

چالشگر «شخصیتی است که نویسنده به شیوه‌ای مشابه با آنچه مخاطبان بنی اسرائیل می‌دانستند، از او استفاده کرده است. به یاد داشته باشید، ما در مورد این که این یک ساختار ادبی است صحبت کرده‌ایم، و بنابراین همه شخصیت‌ها صرفاً همین هستند، آنها شخصیت‌های ادبی هستند که نقشی را ایفا می‌کنند، صرف نظر از اینکه آیا این واقعاً همان موجودی است که عهد جدید به عنوان شیطان معرفی می‌کند یا خیر. کتاب ایوب باید بر اساس تصویری که برای مخاطبان هدف به عنوان بنی اسرائیل در دسترس بوده است، تفسیر شود، نه بر اساس تصویری که مخاطبان بعدی یونانی-رومی - عهد جدید - از او ارائه داده‌اند.

در واقع، شخصیت چالشگر در کتاب اهمیت الهیاتی بسیار کمی دارد. او فقط به صحنه‌سازی کمک می‌کند، زیرا انگیزه‌های ایوب را زیر سوال می‌برد و سیاست‌های خدا را به چالش می‌کشد. او به عنوان کسی که می‌توان او را

به خاطر رنج ایوب سرزنش کرد، معرفی نشده است. این کتاب مطمئناً پیشنهاد نمی‌کند که وقتی رنج می‌کشیم، باید به دنبال مقصر در شیطان باشیم؛ این آموزه‌ی کتاب نیست.

رقیب به عنوان شخصیت فرعی در کتاب [۱۱:۲۷-۱۲:۳۰]

نقش او توضیحی برای رنج یا شر در تجربیات ما یا در جهان ارائه نمی‌دهد. او یک شخصیت فرعی است که نقش کوچکی در درام در حال وقوع ایفا می‌کند. و ما به او بیش از حد توجه می‌کنیم، به خطر خودمان، زیرا این کار پیام کتاب را تحریف می‌کند. این یک مأمور آسمانی است که نقش تعیین‌شده خود را برای به چالش کشیدن دادگاه‌های خدا ایفا می‌کند. این کاری است که او انجام می‌دهد. او این کار را به خوبی انجام می‌دهد. این صحنه‌ای برای کتاب است.

و بنابراین، ما به کشف این موضوع می‌پردازیم که آیا پارسایی ایوب از این آزمایش سربلند بیرون خواهد آمد یا خیر. به یاد داشته باشید، رنج تنها راه برای آزمایش شجاعت پارسایی ایوب است. و بنابراین، رنج مسیری است که این کتاب در پیش خواهد گرفت.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۹، صحنه‌ای در بهشت، بخش ۱ است.

[۱۲:۳۰]